

Medical Ethics and Law
Research Center

Tārīkh-i pizishkī i.e., Medical History

2022; 14(47): e3

Shahid Beheshti
University of Medical Sciences

Studying and Recognizing the Background and Origin of Simorgh as a Medical Symbol of Iranians

Forouhe Jafari¹, Marzie Khabiri², Najme Hashemi³, Seyed Mohammad Hashemimehr^{4*}

1. Department of Medical History, School of Persian Medicine, Qom University of Medical Sciences, Qom, Iran.
2. Department of Medical History, School of Persian Medicine, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
3. Department of Medical History, School of Persian Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
4. Department of Medical History, School of Persian Medicine, Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: To know myths and symbols is a scientific tool for understanding the culture, thinking and customs of human beings from ancient times. The purpose of this research is to study and recognize the background and origin of Simorgh as a medical symbol of Iranians.

Methods: In this study by a descriptive approach and determining the keywords of medical symbol, Simorgh, snake, phoenix, Angha, Homa pezheshk, bird therapist and ancient Iran, valid scientific databases, articles and ancient sources of medical history were examined. The collected information was presented in a regular format after coding, classification and analysis.

Ethical Considerations: This research has been done only by relying on library resources and the principle of fidelity and honesty of quoting the used texts, the originality of the sources and avoiding bias in referring to texts or analyzes, has been observed.

Results: Symbol and myth are closely related to each other. Myth is the area of symbols and the symbol gives meaning to myth. The snake and the staff of Kaduse (the most important element of the medical symbol of the world which has been chosen as a symbol of medication) have Iranian origins and have been accepted by other nations due to the influence of Mithraism in Rome, Greece and its conversion to Christianity. In ancient Iranian mythology, Simorgh was considered a symbol of superiority, healing and the symbol of the kingdom. The combination of animal species in Simorgh, each have been a symbol of one of the four elements of nature, can be influenced by the immortality of life and help.

Conclusion: The results of this study show that medical knowledge had a special place in ancient Iran. In the ancient cultural heritage of Iran, the symbols have a history of several thousand years that have been associated with medical science, herbs and surgery. Therefore the symbol of Simorgh as a symbol of medication was unveiled in Iran to show the originality of Iranian culture and civilization especially in the field of medicine.

Keywords: Myth; Medical Symbol; Simorgh; Ancient Iranians; Medical History

Corresponding Author: Seyed Mohammad Hashemimehr; **Email:** paul_wetmore@yahoo.com

Received: September 27, 2021; **Accepted:** January 09, 2022; **Published Online:** July 23, 2022

Please cite this article as:

Jafari F, Khabiri M, Hashemi N, Hashemimehr SM. Studying and Recognizing the Background and Origin of Simorgh as a Medical Symbol of Iranians. *Tārīkh-i pizishkī, i.e., Medical History*. 2022; 14(47): e3.




مجله تاریخ پزشکی

دوره چهاردهم، شماره چهل و هفتم، ۱۴۰۱



بررسی و بازشناسی پیشینه و خاستگاه سیمرغ به عنوان نماد پزشکی ایرانیان

فروهه جعفری^۱، مرضیه خبیری^۲، نجمه هاشمی^۳، سیدمحمد هاشمی مهر^{۴*} 

۱. گروه تاریخ پزشکی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران.
۲. گروه تاریخ پزشکی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
۳. گروه تاریخ پزشکی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.
۴. گروه تاریخ پزشکی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: شناخت اساطیر و نمادها، ابزاری علمی برای آگاهی از فرهنگ، تفکر و آداب و رسوم انسان‌ها از روزگاران بسیار کهن است. هدف از پژوهش حاضر، مطالعه و بازشناسی پیشینه و خاستگاه سیمرغ به عنوان نماد پزشکی ایرانیان می‌باشد.

روش: در این مطالعه با رویکردی توصیفی و تعیین واژگان کلیدی نماد پزشکی، سیمرغ، مار، ققنوس، عنقا، همای پزشک، مرغ درمانگر و ایران باستان، به بررسی پایگاه‌های معتبر علمی، مقالات و منابع کهن تاریخ پزشکی پرداخته شد. اطلاعات جمع‌آوری شده پس از کدگذاری، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل در قالبی منظم ارائه گردیدند.

ملاحظات اخلاقی: این پژوهش صرفاً با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای انجام شده و اصل امانتداری و صداقت استناد به متون مورد استفاده، اصالت منابع و پرهیز از جانبداری در مراجعه به متون یا تحلیل‌ها، رعایت شده است.

یافته‌ها: نماد و اسطوره ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. اسطوره پهنه نمادهاست و این نماد است که به اسطوره معنا می‌دهد. مار و عصای کادوسه (مهم‌ترین عنصر نماد پزشکی جهان که به عنوان سمبل دارو و درمان برگزید شده)، بن‌مایه‌ای ایرانی دارد و با نفوذ باورهای میترائیسم در روم، یونان و ورود آن در مسیحیت، از سوی سایر ملت‌ها پذیرفته شده است. در اساطیر ایران باستان، سیمرغ را نشانه برتری، درمانگری و مظهر پادشاهی تلقی می‌کردند. ترکیب چندگونه حیوانی در سیمرغ که هر یک از حیوانات، نماد یکی از عناصر چهارگانه طبیعت بوده‌اند، می‌تواند متأثر از نیروی جاودانگی حیات و یاری رسانندگی باشد.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دانش پزشکی در ایران باستان جایگاه ویژه‌ای داشته است. در میراث فرهنگی کهن ایران، نمادها سابقه‌ای چند هزار ساله دارند که با دانش پزشکی، گیاهان دارویی و عمل جراحی همراه بوده‌اند. بنابراین از نماد سیمرغ به عنوان نماد دارو و درمان، در ایران رونمایی شد تا اصالت فرهنگ و تمدن ایرانی، به خصوص در عرصه پزشکی رخ بنمایاند.

واژگان کلیدی: اسطوره؛ نماد پزشکی؛ سیمرغ؛ ایرانیان باستان؛ تاریخ پزشکی

نویسنده مسئول: سیدمحمد هاشمی مهر؛ پست الکترونیک: paul_wetmore@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۹؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Jafari F, Khabiri M, Hashemi N, Hashemimehr SM. Studying and Recognizing the Background and Origin of Simorgh as a Medical Symbol of Iranians. *Tārīkh-i pizishkī*, i.e., *Medical History*. 2022; 14(47): e3.

مقدمه

نماد، کلمه یا شکلی است که معنایی فراتر از آن لفظ و شکل را به مخاطب القا می‌کند. نماد می‌تواند یک شیء مادی باشد که شکلش به طور طبیعی یا بر پایه قرارداد با چیزی که به آن اشاره می‌کند، پیوند داشته و نشانگر یک اندیشه، مفهوم و چگونگی آن‌ها باشد (۱).

نمادگرایی و رمزپردازی یک ابزار علمی و اصولی‌ترین و قدیمی‌ترین روش بیان است که در طی قرون متمادی به دست آمده است. نماد معنایی بیشتر از یک علامت ساده دارد و دارای پویایی بوده، تفسیری مختص به خود را داراست. نمادها اغلب برخاسته از طبیعت، دین و آیین‌های ملی و اساطیری هستند و هر فرهنگ نیز نمادهای مخصوص به خود را دارد. گاه شخصیت‌های مقدس تاریخ به صورت نمادهایی معرفی می‌شوند و گاه در اساطیر از اشیا و حیوانات به عنوان نماد و نشانه استفاده می‌شود. این شبیه‌سازی‌های نمادین در اشاعه فرهنگ کهن بین اقوام و ملت‌های باستان نیز تأثیرگذار بوده است، پس باید خاستگاه آن را در زمینه‌های فرهنگی و دینی و ماورای طبیعی که در دل آن‌ها رشد کرده است، دریافت (۲).

این نمادهای کهن اساطیری که برای توضیح «حقایق جاودانه» به کار می‌روند، تحولات فراوانی را پشت سر گذاشته و بدین سان، جوامع متمدن آن‌ها را به صورت نمایی‌های جمعی پذیرفته‌اند. نماد پزشکی یکی از این نمایی‌های قراردادی و در عین حال فرهنگی است که پیشینه‌ای تاریخی و عمیق دارد و از آمیختگی فرهنگ‌ها و تمدن‌های کهن جهان نشأت گرفته است (۳).

آنچه که از نماد پزشکی به ذهن متبادر می‌شود، میله یا عصایی (Asclepius) با ماری تک و درهم‌تنیده‌شده (خدای پزشکی یونان) است که به عنوان نماد پزشکی جهانی پذیرفته شده است. حدود ۶۰۰ سال قبل از میلاد، شکل کادوسه (Caduceus) یا عصای هرِمِس (Hermes) با مارهای دوتایی درهم‌تنیده به عنوان نشان، مد نظر بود که امروزه به عنوان یک نماد پزشکی از زمان تصویب توسط ارتش پزشکی ایالات

متحده آمریکا (USAMC) در اوایل قرن بیستم پذیرفته و استفاده می‌شود، اگرچه در اصل، هیچ انجمن پزشکی در اساطیر اولیه یونان یا روم وجود نداشته است (۴).

با توجه به اینکه نمادها، ابزار قدرتمند بازنمایی در تکامل فرهنگ‌ها هستند و عمری به درازای تاریخ دارند (۵). برای تأیید اصالت هر نمادی باید به پیشینه تاریخی آن تمدن و فرهنگ رجوع کرد (۱).

با مطالعه قدمت نمادها در تاریخ اساطیری ایران باستان و وجود نمادهای مختلفی که در آیین زرتشتیان وجود داشته است، همانند نماد فروهر، نماد شیر و خورشید، نماد شیردال و مطالعه دقیق آن‌ها، با نماد اساطیری سیمرغ آشنا شدیم که قدمتی هزاران ساله دارد و لقب (مرغ درمانگر) را به خود اختصاص داده است.

سیمرغ نام یک پرنده اسطوره‌ای در ایران باستان است که در اوستا، کتاب زرتشتیان و در اشعار فردوسی در کتاب شاهنامه، از همراهی این پرنده با اسطوره‌ها و قهرمانان آن زمان برای درمان و درمانگری، نام برده شده است (۶).

موضوع بازشناسی نماد اساطیری سیمرغ به عنوان نماد پزشکی و شناخت خاستگاه آن، موضوعی است که با توجه به اهمیتش، غالباً پژوهشگران و محققان از آن عبور کرده و بیشتر به معرفی و بررسی این نمادها پرداخته‌اند. هدف از پژوهش حاضر، مطالعه و بازشناسی پیشینه و خاستگاه سیمرغ به عنوان نماد پزشکی ایرانیان می‌باشد که تاکنون از این منظر به آن پرداخته نشده است.

بر اساس اهمیت سلامت و رعایت بهداشت در ایران باستان و همچنین پرداختن به نمادها و سمبل‌هایی در مکاتب مختلف این فرهنگ کهن به عنوان نشانی متحد در علوم پزشکی، پرسش‌هایی مطرح می‌شود که این پژوهش حول محور آن به بحث می‌پردازد:

- پیشینه و خاستگاه نماد پزشکی ایران باستان چیست؟

- اساساً خلق یک نماد چه تأثیری در هویت و شناساندن تاریخ علوم پزشکی یک کشور دارد؟

Google Scholar و SID جهت دستیابی به اطلاعات جدید مورد جستجو قرار گرفتند. همچنین مقالاتی که به طور مستقیم و غیر مستقیم با عنوان و هدف این پژوهش مرتبط بودند، جداگانه مطالعه شدند و در نهایت بعد از جمع‌آوری، تمامی اطلاعات کدگذاری، طبقه‌بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در قالبی منظم ارائه گردیدند.

یافته‌ها

۱. **نماد:** با بررسی فرهنگ‌های مختلف فارسی، معنای لغوی نماد را چنین یافتیم، (ن) (ا):. نماینده، سمبل، مظهر، نشانه، علامت (۱۲).

نماد، در زبان فارسی، برگردان کلمه انگلیسی سمبل (Symbol) است که به معنای «نام یا تصویری است که ممکن است نماینده چیز مأنوسی در زندگی روزمره باشد و علاوه بر معنای معمول خود، معنای به خصوصی نیز داشته باشد. نماد نشان‌دهنده مفاهیم بزرگ با استفاده از عناوین جزئی است، اما این موضوعات جزئی چنان دارای حیات هستند که اذهان را تسخیر می‌کنند» (۱۰).

سمبل یا نشان هم، معرف چیزی ناشناخته یا پنهان است و شکل یا تصویری وقتی حالتی سمبلیک دارد که بر چیزی بیش از معنای آشکار خود دلالت دارد (۱۳). نماد یا سمبل، بهترین تصویر ممکن برای تجسم امور نسبتاً ناشناخته‌ای است که نمی‌توان آن‌ها را به شیوه روشن‌تری بیان کرد (۱۴).

تفسیر نمادها نقش مهمی در زبان‌شناسی، قوم‌شناسی، هنر، روان‌شناسی و پزشکی دارد. تاریخچه نماد، نشان‌دهنده ارزشی نمادین برای هر موضوعی است، چه شیئی طبیعی باشد و چه امری مجرد (۱۵).

با توجه به همراهی و ارتباط نمادهای باستانی با اسطوره‌ها به بررسی و شناخت اسطوره‌ها نیز می‌پردازیم.

۲. **اسطوره:** اسطوره را در زبان‌های بیگانه (Myth) می‌گویند و با واژه روایت و تاریخ هم‌ریشه است. اسطوره‌ها، همین الگوهای ماندگار، اشکال و نمودارهای مختلف هستند که در حماسه‌ها، افسانه‌ها و روایات ارائه می‌شوند (۱۵).

۱. **بیان مسأله و ضرورت پژوهش:** یکی از شیوه‌های اساسی برای شناخت ریشه‌های دانش پزشکی در ایران باستان، بررسی پیدایش نماد یا نشان پزشکی در گذشته‌های بسیار دور در این کشور کهن و پنهان است. با توجه به گنجینه‌های ارزشمند ایرانیان باستان در آموزه‌های بهداشتی، بررسی و پژوهش در این مسیر ضروری می‌نماید.

کتاب‌ها و پژوهش‌های متعددی در معرفی نماد یا سمبل پزشکی پیشینیان تألیف شده است که از آن جمله می‌توان به دنیای گمشده ایلام (۷)، رمزهای زنده جهان (۸)، کادوسه، نماد پزشکی (۹)، آسکلپوس، کادوسه و سیمرغ، به عنوان نمادهای پزشکی (۴)، نقش ایرانیان در پیدایش نماد پزشکی (۱۰) و نمادشناسی کهن الگوها، در هنر ایران باستان و فرهنگ‌های همسایه آن (۱۱) اشاره کرد.

با توجه به قدمت و اهمیت نماد پزشکی در اعصار گذشته، بررسی کتب، پایان‌نامه‌ها، مقالات و سایر منابع مرتبط، حاکی از آن است که تاکنون پژوهش مستقل و جامعی در ارتباط با نماد سیمرغ به عنوان نشان دانش پزشکی ایران باستان انجام نگرفته است و آنچه انجام شده، در قالب گزارشات خلاصه و پراکنده در منابع است. در همین راستا، نویسندگان مقاله برآنند تا با مراجعه به آثار پیشینیان و پژوهش‌های اخیر، اطلاعات مستندی از وجود سمبل یا نماد پزشکی در حوزه علوم پزشکی ایران باستان را از گذشته‌های بسیار کهن بیان نمایند.

روش

در این مطالعه به روش کتابخانه‌ای و با رویکردی توصیفی به بررسی مقالات، کتب و منابع تاریخ پزشکی پرداخته شد. با توجه به موضوع پژوهش، با تعیین واژگان کلیدی نماد پزشکی، سیمرغ، مار، ققنوس، عنقا، همای پزشک، مرغ درمانگر، ایران باستان و تاریخ پزشکی، جستجوی اولیه انجام گرفت، سپس منابع کهن مورد مطالعه دقیق قرار گرفته و از اطلاعات به دست آمده، فیش‌برداری شد. سایت‌ها و پایگاه‌های اطلاعات علمی نیز نظیر PubMed، Scopus، Science Direct،

که از دوران پارینه سنگی بر آثار نقش بسته است. حالت موجی شکل بدنش تداعی کننده آب است و چون پیدا و پنهان و تجدید حیات می‌شود، با ماه در ارتباط است. علاوه بر این با رشد گیاهان، باروری و حاصلخیزی مرتبط است. مار ماهیت دوگانه‌ای دارد: از سویی دارای مفاهیمی مانند آب، باروری، درخت، تجدید حیات و سلامتی و از سویی با مفاهیمی مانند خطر، خیانت، پلیدی، شیطان و مرگ در ارتباط است (۱۷). مار، سمبل جاودانگی است و مانند یک خط، نه شروعی دارد و نه پایانی. در باور مردمان باستان، مار حیوان دو جنسی است و بعد از مرگ، از خویشتن خود دوباره متولد می‌شود و این معنای حیات جاودانه و ماندگار است (۸). از نشانه‌های مار نقش درمانگری آن است که امروزه به عنوان یک سمبل جهانی، تشکیل دهنده نماد سازمان نظام پزشکی است و بر سر در تمام داروخانه‌های جهان نقش بسته است. تصویر دو مار، نشان دهنده تعادل و تقارن است و یکی از مارها نماینده علوم تجربی و آن دیگری نماینده فضایل اخلاقی است (۹). توجه به نشان مار و اشکال چندگانه آن از موضوعات قابل توجه اسطوره‌هاست (۱۸).

۳-۱. **مار در تمدن‌های ایران باستان:** در ادبیات فارسی واژه «مار» دو معنای متضاد دارد: ۱- مار به زبان پهلوی «Mâr» و به زبان سانسکریت «Mâra» می‌باشد. این واژه به معنای «میراننده» است و ریشه آن با «مُردن» یکی می‌باشد (۱۹)؛ ۲- معنی دوم «مار» ماده اولیه می‌باشد و واژه «مارستان» به ریشه و آغاز آفرینش معنا شده است (۲۰).

در نقوش به جای مانده بر روی ظروف باستانی (حدود ۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد)، مارها از قداست خاصی برخوردار بوده‌اند، در این نقش‌ها، این حیوان در کنار رودها، زمین، خورشید و کوه‌ها نه تنها یک موجود اهریمنی نیست، بلکه نشانه‌ای از زندگی و اقتدار است (۲۱).

اگرچه اعتقاد به تقدس مار در اکثر تمدن‌های جهان دیده می‌شود، ولی پیشینه آن در ایران بیشتر از سایر نقاط جهان است. نخستین نشان‌های تقدس مار در نقوش و تندیس‌های به جای مانده از تمدن کهن ایلامی دیده می‌شود.

معنای اسطوره در سده‌های مختلف، ذهنیت‌های متفاوتی را ایجاد کرده است، چنانکه در قرن نوزدهم و قبل از آن، هر آنچه را که در تضاد با واقعیت بود، اسطوره می‌پنداشتند و تصورشان از اسطوره‌ها، انسان‌هایی دروغین و جعلی بودند، اما کم‌کم از قرن نوزدهم میلادی اسطوره معنای دیگری پیدا کرد و آن را جزء ادبیات داستانی به شمار آوردند (۱۳).

انسان‌های اولیه بین افسانه و اسطوره مرزی قائل بودند و غالباً از اسطوره تصویری واقعی داشتند، ولی افسانه را غیر واقعی می‌دانستند. موجودات اساطیری طبیعی نیستند، الهام گرفته از طبیعتند، اما چیزی فراتر از طبیعی هستند، مانند طوفان، ایزد باد و... اسطوره‌ها حقایق و باورهای عمیق از فرهنگ و تمدن انسانی هستند.

نماد و اسطوره ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند، هر دو از یک اندیشه و مفهوم ایجاد می‌شوند، اما در عین اشتراکاتی که دارند، تفاوت‌هایی نیز می‌توان برای آن‌ها قائل شد، از جمله اینکه اسطوره حاصل و نتیجه نماد است، زیرا «رمزگرایی اندیشه و سنجیده است که مبنای هرگونه دانش اساطیر و اسطوره‌شناسی به شمار رود.» از طرف دیگر اسطوره محل تجلی نماد است و ماهیت اسطوره فقط با نماد قابل توضیح است. اسطوره پهنه نمادهاست و این نماد است که به اسطوره معنا می‌دهد، چراکه اساطیری که در تاریخ وجود دارند، از چهره آغازین و افسانه‌ای خود دور شده و با دیگر اسطوره‌ها در هم آمیخته می‌شوند و سرانجام نمادها پدید می‌آیند (۱۳).

بنا بر آمیختگی و ارتباط تنگاتنگ نماد و اسطوره با یکدیگر، به بررسی نماد پزشکی و اساطیر مربوط به این نماد می‌پردازیم.

۳. **مار:** در اسطوره‌های بین‌النهرین، مار به عنوان نماد آغازین ظاهر می‌شود. در اسطوره گیل گمیش (پنجمین شاه اوروک بود که در حدود ۲۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح در یک دوره ۱۲۵ ساله بر سومریان حکمرانی می‌کرد)، مار جانوری است که گیاه بی‌مرگی را از گیل گمیش می‌رباید و این باعث بی‌مرگی و تجدید حیات این حیوان می‌گردد (۱۶). مار یکی از جانورانی است که در بسیاری از تمدن‌های جهان وجهه‌ای نمادین دارد. مار مهم‌ترین و پیچیده‌ترین نماد حیوانی است

مار، این عنصر مهم نماد پزشکی در آیین میترائیسم جایگاه ویژه‌ای داشته و به همراه عصای کادوسه در اسطوره‌های ایران باستان دیده شده است (۲۳). در تهران در موزه ایران باستان، نقش مَه‌ری بیضی‌شکل نگهداری می‌شود که به هزاره چهارم پیش از میلاد تعلق دارد که بر روی آن تصویر ماری به صورت برجسته حک شده است (تصویر ۱) (۲۴).

Walther Hinz می‌گوید: «حتی سفالینه‌های هزاره‌های سوم و چهارم در ایران نیز منقوش به نقش‌های پیچیده مار است. نقش مار روی در کوزه‌ها و سرپوش ظروف به عنوان نشانه حراست و در مقابل ابلیس ظاهر می‌شود.» از زمان‌های بسیار کهن تصویر مار که به دور درخت زندگی پیچیده، در تمدن ایلام دیده شده است (۷). مار در این نمونه‌ها، نشان‌دهنده خدایی بسیار کهن است که اقتدار و قلمرو جهانی او با این نماد، نشان داده شده است (۲۲).



تصویر ۱: مهر استامپی متعلق به هزاره چهارم قبل از میلاد، موزه ایران باستان، تهران

عامی باشد که به پزشکان ماهر داده‌اند. چون علم طب را با علم کهانت (بیان اخبار غیبی با ادعای ارتباط با اجنه و شیاطین) از یک ریشه و منشأ و هر دو را منسوب به خدایان می‌دانسته‌اند.

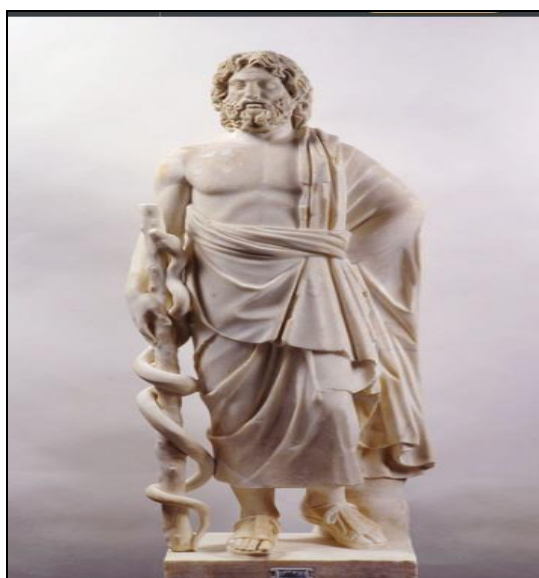
تصویر اسکولاپ، پیرمردی است با عصایی در دست که نشان‌دهنده طبیبی ماهر و باتجربه است که بر عصای خود تکیه کرده است. جالینوس از پزشکان نام‌آور یونانی، در باب ویژگی‌های ظاهری (تمثال آسکلپیوس) چنین توضیح می‌دهد: «سیمای او، سیمای مرد ریشداری است که موی سرش بر سر جمع شده، پرپشت و دارای گیسوان است.» داشتن ریش و گیسوان را به عفت و شیخوخیت تعبیر کرده‌اند و عصای پیچیده و کنگره‌داری که در دست اوست، دلالت بر آن دارد که طبیب باید از لحاظ سن و تجربه، به درجه‌ای رسیده باشد که احتیاج به عصا داشته باشد تا بر آن تکیه کند و یا دلالت بر این است که طبیب به درجه‌ای از دریافت عطایای الهی رسیده

۲-۳. اسکولاپ: با کاوش‌هایی که در منطقه اپیدور (Epidure) انجام گرفته، نشان از آن دارد که در قسمتی از خرابه‌های معبد اسکولاپ، در ۹۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، مراسم مذهبی خاصی انجام می‌گرفت که «آسکلپسیا» نام داشت و علت این نامگذاری این بود که شهر وقف اسکولاپیوس (Aesculapius) بوده است (۲۵). اسکولاپ یکی از ساکنان المپ بود (کوه المپ یا المپوس (به یونانی: Ὀλυμπος) با ارتفاع ۲۹۷۱ متر بلندترین کوه یونان است که در نیمه شمالی آن کشور در نزدیکی دریای اژه قرار دارد. المپ اقامتگاه رییس خدایان یونانی زئوس بود). نویسندگان درباره قدرت این نیمه رب‌النوع و مبتکر علم پزشکی افسانه‌ها گفته‌اند. مشهور است که آسکلپیوس برای درمان بیماران از زهر مار استفاده و مردگان را زنده می‌کرده است (۲۶).

به نظر می‌رسد که اسکولاپ یا آسکلپیوس نوعی لقب باشد که معنای شفا‌دهنده، حیات‌دهنده و ضد مرگ می‌دهد و باید نام

که در دانش طب تصویر شده است، همواره یک یا گاهی دو مار به دور خود دارد و در واقع، مارها وقف او هستند، چنانکه در نماد کادوسئوس (Caduceus) هم دو مار در یکدیگر پیچیده‌اند. عصای «کادوسه» در اساطیر ایران باستان و در آیین میترا نیز دیده می‌شود (تصویر ۲) (۲۳).

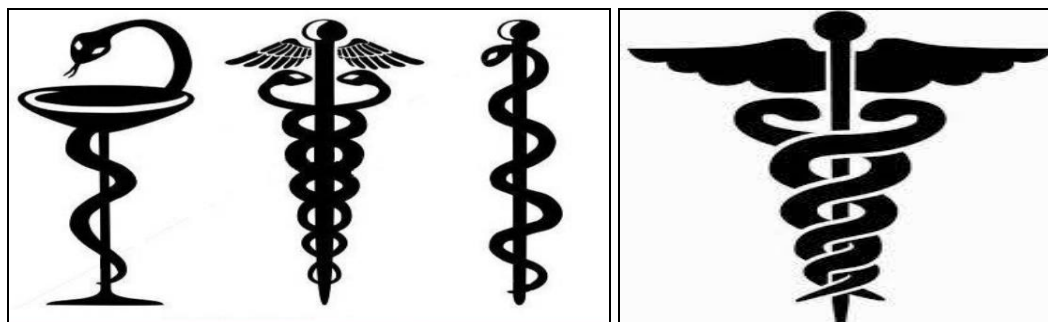
است که عصایی از طرف خداوند به او عطا شده است، همانطور که به زئوس و هرمس عطا فرموده است. جالینوس عصای پیچیده را نشان‌دهنده اصناف معالجات، دارو یا انواع فنون صنعت طب می‌داند که خالی از تزینات نبوده و همچنین روی عصا دو حیوان دراز عمر هم پیچیده شده است (۲۷). عصایی



تصویر ۲: تصویر اسکولاپ (آسکلپیوس) به عنوان طبیبی شفادهنده و درمانگر

عصای هرمس مشهور است. مارهای عصای هرمس مظهر تجارت، مذاکره، فصاحت بیان، کیمیاگری و هوش در باستان بودند. کادوسه از قدیمی‌ترین نمادهاست و تصویر آن بر روی جام گودآشاه لاگاش (بین‌النهرین) متعلق به ۲۶۰۰ قبل از میلاد و همچنین بر روی برخی الواح سنگی هند موسوم به ناگه کالس دیده شده است (تصاویر ۳) (۹).

۳-۳. کادوکئوس یا کادوسه: کادوسه از واژه لاتین کادوسئوم (Caduceum) گرفته شده که ریشه یونانی دارد و به معنای بشیر و قاصد است. صاحب‌نظران در علم تاریخ پزشکی، معتقدند اطبایی که در نشان کادوسه فقط تصویر یک مار را رسم می‌نمایند، به جنبه اخلاقی علم پزشکی باور نداشته و آن را حذف کرده‌اند. این نقش به کادوکئوس یا



تصاویر ۳: نشان کادوسه (کادوکئوس)

۴. سیمرغ: سیمرغ پرنده اسطوره‌ای مشهور ایرانی است که برای اولین بار نام آن در اوستا آمده است. نام سیمرغ در این کتاب «سنن (Saena)» یا «مرغو سنن (Mereqon Saena)» است (۲۹). سیمرغ در اصل سین مرغ بوده است که بعدها به سیمرغ تبدیل شده است و به هیچ وجه نماینده عددی نیست. سین در زبان‌های باستانی به معنای باز و در اصطلاح روشنگر نوع مرغ بوده است. بنابراین سیمرغ در لغت به معنای باز شکاری است و می‌توانیم آن را مرغی نظیر عقاب به شمار آوریم. اسامی سیمرغ در ایران باستان شامل سننه در اوستا، سینا در سانسکریت، سیرنگ و عنقا در زبان پارسی، سین مرو در پهلوی و سنن در آیین مهر است. سیمرغ را شاهین نیز گفته‌اند.

Carnoy معتقد است که شاهین مرغی است که در نزد میترا مقدس است و در بسیاری از سنگ نگاره‌های میترای حضور دارد (۳۰).

از دوره ساسانی به بعد سیمرغ از شکل پرنده‌گانی معادل شاهین و عقاب بیرون می‌آید و تلفیقی از چند حیوان می‌شود و دیگر یک پرنده صرف نیست، اما از دوره‌های پیش از آن نیز تلفیق چند نوع حیوان برای نقش‌مایه سیمرغ مشاهده شده است که به نقوش موجود در تخت جمشید می‌توان اشاره کرد. هخامنشیان این پرنده نیرومند را نشانه برتری، پیروزی و مظهر شاهی تلقی می‌کردند و پرچم خود را با آن شکل تزئین می‌کردند. به نظر می‌رسد ترکیب چند گونه حیوانی در سیمرغ مانند سگ و شیر، پولک و فلس ماهی و اژدها و عناصر اربعه ارتباط معناداری وجود داشته باشد. هر یک از حیوانات، نماد یکی از عناصر اربعه بوده‌اند و این موضوع می‌تواند متأثر از نیروی جاودانگی حیات و یاری رسانندگی برای وی باشد که با نسبت‌دادن عناصر اربعه به نقش‌مایه وی متجلی شده است (تصویر ۴) (۳۰).

مار دارای دو صورت نمادین خیر و شر است و کادوکئوس یا چوب‌دست هِرمس نشانه تعادل میان دو گرایش متضاد و دو قطب زندگی و مرگ است. در یونان کادوکئوس معنای واقعی خود را هنگامی پیدا می‌کند که دو بال روی دو مار قرار می‌گیرد و عصای بالدار نماد تغییر شکل حیات یا تحول زندگی است (۲۶).

آنچه در ظاهر نماد کادوسه دیده می‌شود، میله‌ای است که در میان دو مار قرار گرفته است و دو حیوان متخاصم را آشتی داده است، اما در حقیقت دو نیروی مقابل هم و دو جنس مخالف که به وسیله میله عمودی کادوسه جدا شده است و این بدان معناست که این میله راست و مستقیم قادر به گشودن هر مشکلی است و باعث ایجاد اتحاد و از بین رفتن اختلاف است. در نماد کادوسه وجود مار نر و ماده، معرف جنسیت است که پیچیده‌شدن این دو جنس مخالف به دور عصای کادوسه، نشان‌دهنده پیوستگی جاودانی دو جنس است که از این پیوستگی، شیره حیات فوران کرده و در جام داروسازان قرار می‌گیرد. از دیدگاه کیمیاگری نیز پیوستگی این دو مار، اتحاد بین ضدین است و توافقی است میان آب و آتش و به عبارتی دوگانگی است که در یگانگی خلاصه شده و وحدانیتی است که از تفرقه حاصل شده است (۹).

این نفوذ و سیطره باورهای مهری ایران زمین در یونان باستان بوده است که سبب شد تا اسکلیپوس، برای اینکه فرمانروایی خود را در جهان دارو و درمان حفظ کند، چوب‌دستی خود را که ماری بر آن تابیده است، در دست بگیرد (۲۶). نشان کادوسه که آن را برگرفته از عصای اسکلیپوس می‌دانند نیز مرکب از چند نماد آیین میترائیسم همچون مار «نشانه زمین بارور»، جام «خون یا شراب مقدس»، آب «سرچشمه زندگی»، بال «حرکت» و عصا به نشانه «فرمانروایی بر زمین» است، که ریشه‌های ایرانی دارد و با گسترش آیین میترای در تمدن‌های روم و یونان از سوی این ملت‌ها پذیرفته شده است (۲۳).

با این حال، در افسانه‌های ایرانی هیچ سندی وجود ندارد که نشان دهد تصویر مار با عمل پزشکی یا داروسازی ارتباط داشته است، ولی پرنده افسانه‌ای ایرانی سیمرغ، با عمل جراحی و گیاهان دارویی مشهور بوده است (۲۸).



تصویر ۴: نقش سیمرغ بر روی یکی از ظروف دوره ساسانیان (۱۶۳۴ سال قبل)

پرنده Saenaa یا Sênmurw کاملاً با پزشکی و گیاهان دارویی ارتباط داشته است (۳۱).

در ترکیب نام سیمرغ که بنا بر مندرجات بندهش، «هماک پزشک» یعنی پزشک و درمانگر همه دردهاست، در حقیقت به معنای دانا و آگاه، به ویژه در علم پزشکی و عنوانی است برای اشخاص ماهر در پزشکی و همچنین نام شخصی است که در پزشکی و درمان بخشی متبحر بوده است، به طوری که در اوستا از حکیمی پاک دین و پزشک به نام «سائنا» یاد شده است که صد سال پس از زرتشت زاده شده و صد سال عمر کرده است. این شخص بنا بر فروردین پشت، نخستین کسی است که با صد نفر پیرو به روی این زمین به سر می برد و در دینکرد فرزند «اهوم ستوت» خوانده شده است. بدین ترتیب این عنوان بر افرادی گذارده شده و اطلاق می شد که در علم درمانگری مهارتی به سزا داشته اند و در واقع علت اصلی نامیدن مرغ دانایی که در جراحی و شناخت گیاهان دارویی تبحری به سزا داشته است، از اینجا نشأت می گیرد. به عبارت دیگر این نام همان است که در خداینامک به صورت «سین مرو» و بعدها به هیأت سیمرغ حکیم درآمد و کارهای شگفت آوری نمود. محتملاً واژه Saena در اوستا، Sen، Sene در پهلوی، Syena در سنسکریت و نیز Sin در ارمنی همه از یک ریشه بوده و فردوسی با لهجه دری خود آن را به صورت «سی» درآورده باشد (۳۳).

پیش از اسلام، سیمرغ جایگاه ویژه ای داشته و اسطوره های مختلفی برای او برشمرده اند. این ویژگی ها بعداً در حماسه به سیمرغ داده شده و به صورت درمان بخشی او تجلی کرده است. در اساطیر ایران او را سلطان پرندگان می دانند و معتقدند از تمام علوم دوران خود آگاهی دارد و از این رو نماینده خدای خدایان است (۳۰).

۱-۴. سیمرغ در اساطیر زرتشتی: سیمرغ یک پرنده افسانه ای ایرانی است که دو بار در کتاب مقدس زرتشتیان، اوستا ذکر شده است. به عنوان Saenaa در بهمن یشت، آیه ۴۱ و دوباره در Rashnu Yasht آیه ۱۷ (۳۱). این یشت ها احتمالاً در دوران هخامنشیان (۵۲۱-۳۳۱ ق.م) نوشته شده اند، اما افسانه های موجود در آن ها همزمان با ریگوداهای هند احتمالاً به (۱۵۰۰-۱۲۰۰) قبل از میلاد باز می گردد (۳۲).

پورداوود می نویسد که در فروردین یشت، آیات ۹۷ و ۱۲۶، چندین پزشک با نام Saenaa ذکر شده اند و همچنین در دینکرد متن زرتشتی ذکر شده است که پزشکی به نام (Saena پسر اهوم) وجود داشته است که صد سال پس از زرتشت متولد شده و در طول زندگی طولانی خود ۱۰۰ دانش آموز را برای پزشکی تربیت کرد. بنابراین مشخص می شود که در سنت زرتشتیان از دوران هخامنشی تا پایان دوره ساسانیان (۶۵۱-۲۲۶ م.)، دوره ای بیش از ۱۰۰۰ سال،

مینوی خرد درباه جایگاه و آشیانه این مرغوستنا (Meregeusaena) می‌نویسد که: «آشیانه سین مرو در بالای درخت هرویسپ تخمه که جدبیش (ضد گزند) خوانندش، می‌باشد، هرگاه از آن برخیزد، هزار شاخه از آن درخت بروید و چون بنشیند هزار شاخه از آن بشکند و تخم از آن پراکنده شود» (۳۴). خواص درخت هرویسپ تخمک، گویی بعدها در حماسه به سیمرغ داده شده و به صورت درمان‌بخشی خود او تجلی کرده است.

با این توضیحات، همان‌گونه که در برخی موارد واقعیات تاریخی دوران بسیار کهن با گذر زمان و به طور سینه به سینه نقل شده و به تدریج در قالب اساطیر فرو رفته (۳۵)، در این میان، قهرمانان و یا دانشمندان و پزشکان همچون موجودات خیالی تصور گردیده و به موجوداتی خارق‌العاده و دور از دسترس مبدل گشته‌اند، این پرنده مداواگر نیز در واقع نماینده پزشکی مجرب و نشانگر شخصیتی متبحر در تاریخ ایران باستان بوده که به تدریج رنگ و رویی اساطیری یافته است. سیمرغ در واقع نماد فردی موبد پزشک و جادوگر است. در اساطیر ایرانی مسأله تمرکز جادوگری و فرمانروایی بر قبیله - که از خصوصیات جوامع بدوی است - اغلب به صورت تکامل یافته‌تر خود جلوه می‌کند که نمونه‌های مختلف آن را می‌توان در جمشید، فریدون، کیخسرو و دیگران در شاهنامه دید. همچنین از سازمان‌های قبیله‌ای در اساطیر پهلوانی تمرکز جادوگری، طبابت و فرمانروایی در یک تن است و نمونه بارز آن فریدون است که جادو نیز می‌کند و چون فرزندانش از سفر باز می‌آیند، خود را به صورت اژدهایی درمی‌آورد. در رابطه با قدرت جادوگری سیمرغ در بهرام یشت آمده است که پره‌ای سیمرغ دارای نیرویی جادویی است که می‌تواند جادوی دشمن را باطل کند، از این رو اهورا مزدا به زرتشت سفارش

می‌کند که پری از این پرنده بجوی و بر تن خود بمال و بدان جادوی دشمن را ناچیز گردان و اینکه هر که استخوان یا پری از این مرغ دلیر با خود داشته باشد، هیچ مرد توانایی او را از جای به در نتواند برد و نتواند کشت. از سوی دیگر قدرت و مهارت درمانگری این فردی که به گونه پرنده‌ای دانا خود را در منابع نمایان می‌سازد، به گونه‌ای است که از پس سخت‌ترین جراحی‌ها و مشکل‌ترین دردها برمی‌آید و لایق «هماک پزشک» یعنی درمان‌کننده همه دردهاست (۳۳).

۲-۴. سیمرغ در شاهنامه: در شاهنامه، کتاب شعر حماسی ایرانی که بیش از ۱۰۰۰ سال پیش توسط فردوسی (۱۰۲۰-۹۳۶ م.) به زبان فارسی سروده شده است، از پرنده افسانه‌ای سیمرغ چندین مرتبه نام برده می‌شود.

در شاهنامه چنین آمده است که سیمرغ یا مرغ درمانگر، نام وارسته‌ای بوده است که با تولد «زال» سیمرغ وارد صحنه شاهنامه می‌گردد. زال به دلیل متفاوت‌بودنش و داشتن موی سفید (آلبینیسم) (Albinisme) که نوعی ناهنجاری مادرزادی است) در بدو تولدش در صحرا رها می‌شود تا از بین برود. سیمرغ او را پیدا می‌کند و او را به آشیانه خود که بر فراز کوهی قرار دارد، برده تا از او نگهداری کند. بعد از مدت‌ها پدر زال به دنبال خوابی که دیده است، در پی فرزندش به پای کوه البرز که آشیانه سیمرغ در آن قرار داشت می‌رود. سیمرغ هنگام خداحافظی از زال، پری از بال‌های خود را به زال می‌دهد تا هر زمان که به سختی افتاد و به وجود سیمرغ نیاز داشت، از آن استفاده کند. اولین کمک سیمرغ به زال در زمان تولد رستم پسر زال بوده که هنگام به دنیا آمدنش به علت درشت‌بودن، تولدش با مشکل مواجه می‌شود و زال از پر سیمرغ استفاده می‌کند (تصویر ۵) (۳۳).



تصویر ۵: نقشی از حضور سیمرغ در همراهی زال

بزرگ بر مبنای علمی و بر اساس واقعیت نگاشته شده است، اما متأسفانه پس از گذر قرن‌ها، عمل رستمینه «سزارین» نامیده شد، چراکه ژولیوس سزار، فرمانروای رومی نیز با این روش به دنیا آمد و بر اساس نام او این عمل سزارین نامیده شد.

همچنین اشاره فردوسی در اشعار خود به اصطلاحات پزشکی و طبی قابل توجه است. اصطلاحاتی همانند خنجر آبگون به جای چاقوی جراحی، مرد بینا دل پرفسون به جای جراح و شکافتن به جای شکاف جراحی و دوختن نیز به جای بخیه عمل جراحی. این اشارات دقیق و با جزئیات نشان می‌دهد که شخصیت سیمرغ واقعی و به صورت مظهر و نمادی از یک پزشک ماهر است که در جریان داستانی واقعی در شاهنامه به وقوع پیوسته است (۳۳).

دومین حضور سیمرغ به عنوان مرغ درمانگر در شاهنامه، در جنگ رستم و اسفندیار است که رستم ناتوان از شکست دادن اسفندیار با روشی که سیمرغ به وی می‌آموزد، موفق می‌شود اسفندیار را در نبرد مغلوب کند. او در نبرد رستم و اسفندیار به رستم می‌آموزد که با چوب درختی به نام گز تیری بسازد و بر چشم اسفندیار بزند (۳۶).

در این مرحله سیمرغ با گیاه مقدس هم درمانگری می‌کند. او زخم‌های بدن رستم را درمان می‌کند و با بیرون کشیدن پیکان‌ها از بدن او و اسب رستم (رخش)، زخم‌های عمیق را درمان کرده و پانسمان می‌کند.

سیمرغ در هنگام تولد رستم در نقش پزشکی کارآموده، روشی را به زال می‌آموزد تا در جریان تولد رستم آسیبی به مادر و فرزند نرسد. این عمل جراحی شکافتن پهلو تا آن زمان سابقه نداشته و پر جادویی سیمرغ خاصیت شفابخشی خود را در این زایمان نشان می‌دهد. سیمرغ خود پزشک است و پر جدا شده از وجود او نیز خاصیت درمانگری دارد (۳۶).

فردوسی نزدیک به پنجاه بیت به بیان جزئیات تولد رستم در شاهنامه پرداخته است. زادن رستم نخستین پزشکی و جراحی در شاهنامه است که بن‌مایه‌ای جادویی دارد.

بکافید بی‌رنج پهلو ی ماه بتابید مر بچه را سر ز راه
چنان بی‌گزندش برون آورد که کس در جهان آن شگفتی ندید

فردوسی با وجود اینکه پزشک نبوده است، اما اصطلاحات پزشکی بسیاری را همراه با جزئیات تولد رستم بیان می‌کند. در یکی از ابیات خود به «تابیدن یا چرخش سر بچه» - بتابید مر بچه را سر ز راه - که در اصطلاح پزشکی امروزه، ورسیون (Version) نامیده می‌شود، اشاره می‌کند. این نکته نشانگر آن است که این حکایت کاملاً بر مبنای واقعیت گزارش شده و نکته بااهمیت این موضوع در این است که جزئیات تولد رستم و نحوه قرار گرفتن او در شکم مادر، عمل رستمینه (سزارین) امروزی را توضیح داده است که همراه با داروهای که در این عمل تجویز و استفاده می‌شود، نشان می‌دهد که این جراحی

نگه کرد مرغ اندر آن خستگی بدید اندرو راه پیوستگی
ازو چار پیکان به بیرون کشید به منقار از آن خستگی خون کشید
بر آن خستگی‌ها بمالید پر هم اندر زمان گشت با زیب و فر؟ (۳۷)

سیمرغ از منظر جلوه‌های انسانی، پزشکی ماهر و آشنا به خاصیت دارویی گیاهان است و شیوه ساختن مرهم شفابخش را به زال و رستم می‌آموزد. او در بهبودبخشیدن زخم‌ها و استفاده از گیاهان دارویی چیره دست است (۲۹).

در دوران باستان موبدان علاوه بر وظایف دینی، به حرفه پزشکی نیز مشغول بوده‌اند، تصور می‌شود یکی از روحانیون باستان که نام وی سئنه بوده سمت روحانی مهمی داشته که نمود آن به خوبی در اوستا پیداست. این موبد به طبابت و مداوای بیماران مشهور بوده است. بعدها «سئنه» نام روحانی مذکور را به معنای لغوی نام مرغ در نظر گرفتند و جنبه پزشکی او را در اوستا به درختی که آشیانه اوست در شاهنامه به خود سیمرغ نسبت داده‌اند (۳۸).

با توجه به اهمیت و نقش سیمرغ در دانش پزشکی ایران و تمرکز بر پیشینه درمانگری این مرغ اساطیری در متون کهن دینی، ادبی و پزشکی ایران، در سال ۱۳۹۲ این نشان به عنوان نماد پزشکی ایران رونمایی شد تا اصالت فرهنگ دیرینه ایرانی حفظ شود (۳۹).

۳-۴. اسطوره‌های مشابه سیمرغ در سایر ملل

۳-۴-۱. ققنوس: معرب واژه یونانی کوکونوس (Kukunos) و مرغی در نهایت خوش رنگی و خوش‌آوازی در سرزمین هند است. آن گونه که از قرائن برمی‌آید ققنوس از اساطیر چین و مصر به هنر و ادبیات فارسی راه پیدا کرده است. در رساله بهجت الروح (رساله‌ای درباره موسیقی است که توسط شخصی با نام عبدالمؤمن بن صفی‌الدین گرگانی نوشته شده است. اهمیت این رساله از آن جهت است که از معدود رسالات موسیقی مربوط به سده‌های دهم و یازدهم قمری است) همانندی سیمرغ با ققنوس یکی گرفته شده است. شباهت‌های زیادی بین سیمرغ سهروردی و ققنوس وجود دارد که احتمالاً به دلیل داد و ستد میان این دو فرهنگ بوده است (۳۰).

ققنوس، پرنده‌ای با عمری طولانی است که به طور چرخشی بازسازی و یا دوباره متولد می‌شود. این پرنده، با برخاستن از خاکسترهای نیاکان خود زندگی تازه‌ای به دست می‌آورد. برخی از افسانه‌ها می‌گویند چون عمرش به پایان می‌رسد، توده‌ای بزرگ از هیزم فراهم می‌کند و با نشستن بر آن چندان آواز می‌خواند که از آواز خود به وجد می‌آید و با برهم‌زدن بال و به یاری منقار، آتشی می‌افروزد و با سوختن در آتش از او تخمی به وجود می‌آید و ققنوسی دیگر زاده می‌شود. برخی دیگر می‌گویند که درست بعد از مردن، تجزیه می‌شود (۴۰).

اصل افسانه ققنوس توسط هرودوت (به یونانی: Ηρόδοτος) و بعدها دانشمندان قرن نوزدهم به مصر باستان نسبت داده شده است. با گذشت زمان، تصاویر و نقش‌های ققنوس گسترش یافت و شکل‌های جدیدی به خود گرفت. بزرگانی چون Clemens V, Pliny the Elder, Lucan, Ηρόδοτος و Seville کسانی هستند که در بازگویی و انتقال نقوش ققنوس سهیم بوده‌اند (۶).

۳-۴-۲. عنقا: در اسطوره‌ها نشانه حقیقت نامعلوم و وجود ناپیدا و مجهول الهویه است و هرگاه بخواهند به آرزوی ناشدنی و ناممکن دست پیدا کنند، آن را به عنقا مثل می‌زنند. معین در ترجمه واژه عنقا نوشته است: سیمرغ، نام مرغی افسانه‌ای که زال پدر رستم را پرورد. جایگاه این مرغ در کوه البرز است. به نظر می‌رسد که مرحوم معین تنها به لحاظ شباهت اسطوره‌ای دو پرنده، عنقا را به سیمرغ تعبیر کرده و مقصود ایشان یکی بودن دو پرنده عنقا و سیمرغ نبوده است. عنقا مرغ اساطیری اعراب و نشیمن او کوه قاف است و سیمرغ مرغ اساطیری ایرانی‌ها در البرز است و معمولاً این دو مرغ افسانه‌ای را یکی دانسته‌اند (۳۰).

۳-۴-۳. گرودا: ظاهراً به معنای «پتیاره، اژدها و اهریمن» به کار رفته است. نام این پرنده «Garuda» است و مظهر الفاظ مرموز و سحرآمیز «وداها» است. یکی از پرندگان اسطوره‌ای است که در مورد ستیز او با مارها داستان‌های زیادی گفته شده است. در میان پرندگان اسطوره‌ای میان گرودا و سیمرغ دادوستدی برای نقش مایه ذکر نشده است، اما به لحاظ

این شباهت‌ها، مانند هندو گارودا و برون‌دا، مرغ آتشین روسی، سیمرغ فارسی، پاسکونجی گرجستانی، غنق‌ای عربی، کنرول ترکی است که نشان از اتحاد فرهنگ‌ها و ملل در انتخاب نمادی شناخته شده و مهم برای علم پزشکی دارد (۴۷).

بحث

با بررسی‌های انجام‌گرفته بر روی متون و نقوش به دست‌آمده از ایران باستان، یونان و ادیان دیگر مشخص شد که تمامی نمادهای مار، اسکولاپ، کادوسه، ققنوس، عنقا، گردا، شیردال و سیمرغ، همانندی و همسانی‌های مهمی با هم دارند. اشتراکات در اجزای نقوش و ساختار روایت‌ها، بیانگر آن هستند که خاستگاه آن‌ها یکی بوده است.

در ایران پرستش خدای مار از هزاره چهارم تا هزاره اول پیش از میلاد رایج بوده است (۴۸). بر روی بسیاری از سفالینه‌های دوره دوم سیلک در کاشان، نقش مارهایی دیده می‌شود که روی دُم خود ایستاده‌اند (۴۹). در ایلام نقش مار بر سفالینه‌های هزاره سوم و چهارم پیش از میلاد، زیاد به چشم می‌خورد (۵۰).

در تصاویر کشف‌شده از مار بر روی سنگ‌ها و ظروف به جای‌مانده از شهر جیرفت با قدمت بیش از پنج هزار سال، می‌توان آن را منشا نماد پزشکی و همچنین صورت فلکی مار و مارافسای در جهان معرفی کرد. تصاویری از ستارگان و مارهای درهم‌تنیده به اساطیر یونان باستان انتقال یافت که با نام عمومی اسفینکس (Sphinx) (ابوالهول) شناخته می‌شد. یونانیان و مصریان عیناً از اسطوره اسفینکس‌ها در ساخت ظروف برنزی خود استفاده می‌کرده‌اند (۵۱).

نتیجه‌گیری

هنگام ظهور تمدن جدید و پیدایش سازمان‌های بین‌المللی در قرن بیستم، از نماد مار به عنوان نشان پزشکی استفاده کرده و آن را به عنوان نمادی جهانی به شمار آورده‌اند. امروزه از این نماد نه‌تنها برای سازمان جهانی بهداشت، بلکه برای بسیاری دیگر از سازمان‌های پزشکی و داروسازی نیز استفاده می‌شود و

اسطوره‌ای هر دو پرنده نماد خدمت رسانی، واسطه پیام الهی و مخالف شر و بدی هستند.

۴-۳-۴. فونیکس: واژه‌ای یونانی است به معنی پرنده‌ای که خود را می‌سوزاند و از خاکسترش یک پرنده جوان به آسمان پر می‌کشد. در روایات اسطوره‌ای اعتقاد بر این است که اشک او مقدس و درمانگر است و اگر بر زخمی بریزد زخم التیام می‌یابد. لانه وی نیز از دارچین، ادویه‌های مرغوب و کندر است. ویژگی و خصوصیت احیای مجدد و حیات دوباره و نامیرایی بین سیمرغ و فونیکس بسیار مشابه است به همین دلیل در بسیاری از مواقع سیمرغ و فونیکس یکی شده و در شمار زیادی از نگاره‌های ایرانی سیمرغ ظاهر فونیکس را دارد (۳۰).

۴-۳-۵. گریفین: در فارسی شیردال نامیده می‌شود و از نام یونانی «Ophinius» گرفته شده است و اشاره به صورت فلکی نجومی مار دارد (۴۱). تصاویری از شیردال‌های دورگه با چهار پا و سر منقاردار در هنر ایران باستان و مصر باستان دیده می‌شود که قدمت آن به ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد (۴۲). در افسانه‌های ایرانی، گریفین، (شیردال) نامیده می‌شود که به معنی «شیر عقاب» است. شیردال از اواخر هزاره دوم قبل از میلاد در هنر ایران باستان ظاهر شده است (۱۱). شیردال‌ها از مَهر و موم استوانه‌ای در شهر شوش در ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد پیدا شدند (۴۳). شیردال‌ها، نقوش رایج در هنر لرستان، منطقه شمال و شمال غربی ایران در عصر آهن و هنر هخامنشی هستند (۴۴). تصاویر گریفین (شیردال)، در هنر امپراتوری هخامنشی دیده شد. اِلنا نوا (Elena Neva)، مورخ جواهرات روسی معتقد بود که هخامنشیان شیردال را «محافظی در برابر شیطان و جادوگری» می‌دانستند (۴۵). شیردال‌ها در شعر فارسی بسیار استفاده می‌شود. مولانا از جمله شاعرانی است که با اشاره به شیردال‌ها شعر سروده است (۴۶).

سیمرغ، ققنوس، عنقا و شیردال شباهت‌های بسیاری با هم داشته که دانشمندان نیز در فرهنگ‌های مختلف مرغانی مشابه و نزدیک به این پرندگان اساطیری را مشاهده کرده‌اند.

محمد هاشمی‌مهر: کمک قابل توجه در طراحی مطالعه، جمع‌آوری مطالب، تحلیل و تفسیر داده‌ها، تصویب نهایی نسخه آماده شده برای چاپ و پاسخگوبودن در تمام جنبه‌های پژوهش.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

این پژوهش صرفاً با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای انجام شده و اصل امانتداری و صداقت استناد به متون مورد استفاده، اصالت منابع و پرهیز از جانبداری در مراجعه به متون یا تحلیل‌ها، رعایت شده است.

بسیاری بر این باور هستند که ریشه آن در یونان باستان است، در حالی که این نماد ریشه در ایران باستان دارد و مانند بسیاری از دستاوردهای علمی و فرهنگی دیگر، بیگانگان داعیه‌دار و متولی آن شده‌اند. پذیرش چنین امری برخاسته از خودکم‌بینی و غرب‌گرایی است که سبب کاهش در تولید علم می‌گردد و در نتیجه ضرر و زیان آن دامن جامعه را می‌گیرد.

پیش از اسلام، سیمرغ این پرنده اسطوره‌ای، جایگاه ویژه‌ای در میان ایرانیان باستان داشته و حکایات مختلفی برای او برشمرده‌اند. نام این پرنده برای اولین بار در اوستا آمده است. هخامنشیان سیمرغ را نشانه برتری، پیروزی و مظهر پادشاهی تلقی می‌کردند و پرچم خود را به شکل این پرنده قدرتمند تزئین می‌کردند. آنان، سیمرغ را سلطان پرندگان می‌دانستند و معتقد بودند از تمام علوم دوران خود آگاهی دارد و از این رو نماینده خدای خدایان است (۳۰). این پرنده مداوگر در واقع نماینده پزشکی مجرب و نشانگر شخصیتی متبحر در تاریخ ایران باستان بوده که به تدریج رنگ و رویی اساطیری یافته است. سیمرغ در واقع سمبل فردی موبد پزشک و جادوگر است.

با توجه به پژوهش انجام‌گرفته و تأمل در تاریخ کهن ایران به این نتیجه می‌رسیم که آنچه که به عنوان پزشکی متبحر در تاریخ اساطیری ایران به تصویر کشیده شده است و می‌توان آن را نماد و نماینده پزشکی ایرانیان قلمداد نمود، سیمرغ است. نمادی که فن درمانگری وی کاملاً مبنایی حقیقی دارد و رونمایی این نماد پزشکی در ایران کنونی ما، نشان از وابستگی فرهنگی و اطلاعات دقیق و ماهرانه‌ای است که از فرهنگ اصیل خود داشته‌ایم.

مشارکت نویسندگان

فروهه جعفری: ایده اولیه مطالعه، تهیه پیش‌نویس مقاله، تحلیل و تفسیر داده‌ها و تصویب نهایی نسخه آماده‌شده برای چاپ.

مرضیه خبیری و نجمه هاشمی: جمع‌آوری مطالب، تحلیل و تفسیر داده‌ها و تصویب نهایی نسخه آماده‌شده برای چاپ.

References

1. Golestani M. What is a symbol? What is a metaphor? *Journal of Roshd (Teaching Persian Language and Literature)*. 2018; 125: 67-70. [Persian]
2. Behzadi R. The role of the symbol in the breadth of mythology. *Journal of Iranian Studies*. 2001; 1: 71-88. [Persian]
3. Sarfi M. An Introduction to Symbolism in Literature. *Journal of Farhang*. 2003; 16(46 & 47): 159-177. [Persian]
4. Nayernouri T. Asclepius, Caduceus and Simurgh as medical symbols, Part I. *Archives of Iranian Medicine*. 2010; 13: 61-68.
5. Jung CG. *Psychology Types*. Translated by Francis R, Hull C, Baynes HG. New Jersey: Princeton University Press; 1971.
6. Thompson S. *Motif-Index of Folk-Literature: A Classification of Narrative Elements in Folk Tales, Ballads, Myths, Fables, Mediaeval Romances and Local Legends*. Indiana: Indiana University Press; 2001.
7. Hinz W. *The Lost World of Elam*. Tehran: Scientific and Cultural Publication; 1991. [Persian]
8. DeBeaucorps M. *World Live Codes*. Tehran: Publication Center; 1997. [Persian]
9. Khalatbari M. Caduceus: A symbol of medicine. *Journal of Forensic Medicine*. 1998; 4(15): 69-80. [Persian]
10. Rasmi A. The impression of iranian in creation of Kadoseh. *Medical History*. 2012; 4(10): 33-67. [Persian]
11. Taheri S. *The Semiotics of Archetypes, in the Art of Ancient Iran and its Adjacent Cultures*. Tehran: Shour Afarin Publications; 2017. [Persian]
12. Padsha M. *Comprehensive Persian Dictionary (Anandraj)*. 2nd ed. Tehran: Khayam Publication; 1956. [Persian]
13. Parnian M, Bahmani SH. Study and analysis of the symbols of the mythological part of Shahnameh. *Textology of Persian Literature Persian Language and Literature Research*. 2012; 4(1): 90-110. [Persian]
14. Loeffler D. *The cryptic language of legends*. Tehran: Toos; 1985. [Persian]
15. Chevallier J, Gheerbrant A. *Culture of symbols: Myths, dreams, customs, gestures, shapes and forms, faces, colors, numbers*. 2nd ed. Tehran: Jaihoon Publication; 2005. [Persian]
16. Ali F. Snake in Persian mythology and literature. *Journal of Scientific-Research Persian Literature*. 2011; 7(17): 121-136. [Persian]
17. Rafifar J, Malek M. The Iconography of Leopard and Snake Symbol of Jiroft Artifacts During the 3rd Millennium B.C. *Iranian Archaeological Research*. 2013; 3(4): 7-36. [Persian]
18. Jobes G. *Symbols*. Tehran: Jahannama Publication; 1991. [Persian]
19. Khalaf Tabrizi M. Borhan Ghatte. Tehran: Amir Kabir; 1982. [Persian]
20. Shahrestani M. *Al-Melal va al-Nahl*. Beirut: Al-Helal Publication; 2003. [Persian]
21. Palasaeydi K. *The role of snakes in the culture and civilization of Ilam*. Tehran: Islamic Azad University, Mirdamad Postgraduate Center; 2002. [Persian]
22. Porada E. *Jiroft, the oldest civilization in the East*. Tehran: Ministry of Culture and Guidance Publication; 2003. [Persian]
23. Molaei C. *Aban Yasht (Avestan hymn in praise of Ardi Sur Nahid)*. Tehran: The Great Islamic Encyclopedia Center; 2013. [Persian]
24. Bagherpour S. Study and symbolism of the role of snake in ancient civilizations. *Journal of Art*. 2012; 167: 100-108. [Persian]
25. Delbari H. A legend for all the seasons, a symbolic inquiry in the story of Zahak. *Journal of Poem*. 2005; 44: 60-63. [Persian]
26. Sakizade M, Jafari N. study the role of snake archetype in Iranian and world medicine. Tehran: The Second National Symposium on World Graphic Day; 2018. p.3-4. [Persian]
27. Kaviani H, Amiri A. Stick and its symbolic position in ancient beliefs and cultures. *Journal of Comparative Literature*. 2018; 10(19): 181-202. [Persian]
28. Nayernouri T. Simurgh as a Medical Symbol for Iran. *Middle East Journal of Digestive Diseases*. 2010; 2(1): 49-50.
29. Mohammadi F, Pourmand HA. A comparative study of Simorgh with reference to Avesta, Shahnameh and Mantiq al-Tair. *Journal of Visual Arts the Role of the Theme*. 2011; 4(8): 57-64. [Persian]
30. Alikhani P, Akbari F, Nezhadebrahimi A. A Comparative Study of Mythical Birds in Iran and Neighboring Civilizations, Case Study: Sēnmurw & Phoenix. *Journal of Jelvey-y Honar*. 2017; 10(2): 55-66. [Persian]

31. Pourdavoud E. The Ancient Cultures of Iran. Tehran: Assatir Publications; 1974. [Persian]
32. Available at: <http://www.livius.org/au-az/avesta.html>.
33. Kaviani H. Medical history of ancient Iran. 1st ed. Tehran: Almaei Publication; 2014. [Persian]
34. Azkaei P. Medicine in ancient Iran. 1st ed. Tehran: Almaei Publication; 2012. [Persian]
35. Khalatbari A, Lotfabadi M. Historical awareness and its function in shaping the identity of Sassanid Iran. *Historical Research of Iran and Islam*. 2014; 8(14): 67-96. [Persian]
36. Heidarnia Z, Shabanlou AR. Analysis of Simorgh myth in Ferdowsi Shahnameh. *Ancient Letter of Persian Literature, Institute of Humanities and Cultural Studies*. 2017; 8(1): 105-130. [Persian]
37. Tajbakhsh H. History of medicine and veterinary in Iran. 3rd ed. Tehran: University of Tehran Press, Publishing Institute; 2006. [Persian]
38. Nayeri M. Simorgh in general and special effects. *Journal of Social Sciences and Humanities, Shiraz University*. 2006; 25(3): 215-235. [Persian]
39. Available at: <https://www.irna.ir/news/>. 2013.
40. Hinnells J. Persian Mythology. 2nd ed. Tehran: Chashme Publication; 1989. [Persian]
41. Carol R. Giants, Monsters and Dragons: An Encyclopedia of Folklore, Legend and Myth. New York: W.W.Norton & Company; 2001.
42. Illustrated Dictionary of Egyptian Mythology. Available at: <http://www.Buffaloah.com>. 2012.
43. Image of Persian griffin from The Granger Collection. Available at: <http://www.granger.com>. 2014.
44. Taheri S. Gopat and Shirdal in the Ancient Middle East. *Journal of Fine Arts-Visual Arts*. 2013; 17(4): 13-22.
45. Neva E. Central Asian Jewelry and their Symbols in Ancient Time. Moscow: Sovetskaya Arheologia; 2008.
46. Al-Din J. The Essential Rumi. New York: Harper Collins Publication; 2004.
47. Van den Broek R. The Myth of the Phoenix. Leiden: Leiden University; 1972.
48. Godard A. Iranian Art. Tehran: Shahid Beheshti; 1958. [Persian]
49. Ghirshman R. Sialk in Kashan. Tehran: Miras Farhangi; 2000.
50. Hinz W. The lost world of Elam. Tehran: Elmi & Farhangi; 1992.
51. Sophocles. Theban plays. Tehran: Kharazmi; 1999.